



The Right of Self-Defense in International Law «A Case Study of Russia’s Attack on Ukraine»

Mohammad Reza Marefat*

Abstract

Self-defense is one of the fundamental concepts in legal science and has broad implications across various legal domains. The origin of this principle initially lies in domestic law, particularly within the framework of criminal law. Legal scholars maintain that an aggressor, through a wrongful act, violates another person’s rights, thereby creating for the victim a legitimate right to protect his or her life, property, and dignity. This notion has now extended from domestic to international law. Just as an individual, as a living being, may resort to lethal means to defend their existence, states as sovereign entities may also employ armed force to safeguard their territorial integrity and survival. This paper examines the legal justification of Russia’s attack on Ukraine in light of the international law principles governing the right of self-defense. Using a descriptive-analytical method and relying on library resources, official reports, and international documents, the study concludes that Russia’s military invasion of Ukraine cannot be justified under the right of self-defense. The attack does not fulfill the conditions stipulated in Article 51 of the UN Charter, nor does it conform to customary international law or the jurisprudence of international courts regarding the lawful use of self-defense. Accordingly, in view of Article 2(4) of the UN Charter, Russia’s actions amount to an unlawful use of force and constitute an act of aggression.

Keywords: Ukraine, Russia, aggression, self-defense, prohibition of the use of force

* Faculty Member of Law Department, Khatam-al-Nabieen University, Ghazni Branch. Email: mr.marefat@khatam.edu.af.



حق بر دفاع مشروع در حقوق بین الملل

«با مطالعه موردی حمله روسیه به اوکراین»

محمدرضا معرفت*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۸/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۳۰

چکیده

دفاع مشروع از مقوله های مهم حقوقی است که در حقوق بین الملل معاصر جایگاه ویژه دارد. پیدایش این موضوع در وهله اول ریشه در حقوق داخلی به ویژه قواعد حقوق جزایی دارد. حقوقدانان به این باورند که شخص متجاوز با عمل متجاوزانه حق دیگری را نفی می نماید و با این عمل، برای طرف مقابل حقی ایجاد می شود که وی را قادر می سازد برای حفظ جان، مال و حیثیت خود بتواند آن را اجرا نماید. این مقوله اکنون به حوزه حقوق بین الملل نیز تسری یافته است. همان گونه که یک فرد می تواند به عنوان یک موجود زنده با توسل به سلاح مرگبار با شرایط خاص از حیات خود دفاع نماید؛ دولت ها نیز می توانند به عنوان شخصی دارای حاکمیت مستقل، با توسل به قوای مسلح از حاکمیت و موجودیت خود دفاع نمایند. در این نوشتار با هدف تجزیه و تحلیل حقوقی حمله روسیه به اوکراین، استدلال حقوقی حمله روسیه به اوکراین با توجه به ضوابط ناظر به دفاع مشروع در حقوق بین الملل با روش تحلیلی-تفسیری و با مراجعه به منابع کتابخانه ای، سایت ها و گزارش های رسمی بین المللی بررسی شده، در عین حال ضرورت تحقیق نیز ناشی از اهمیت دفاع مشروع در حقوق بین الملل معاصر است. نتیجه نهایی این است که حمله روسیه به اوکراین با استناد به اصل دفاع مشروع، قابل پذیرش

* کدر علمی دیپارتمنت حقوق، پوهنهی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون خاتم النبیین (ص) شعبه غزنی

نمی‌باشد. زیرا، این حمله فاقد شرایط مندرج در ماده (۵۱) منشور ملل متحد و قواعد عرفی و رویه قضایی بین‌المللی در مورد استفاده از حق دفاع مشروع بوده و اقدام روسیه با توجه به بند ۴ ماده ۲ منشور، تجاوز و توسل به زور نامشروع است و مشمول دفاع مشروع نیست.
واژگان کلیدی: اوکراین، روسیه، تجاوز، دفاع مشروع و اصل منع توسل به زور.



حق دفاع مشروع در حقوق جزا و حقوق خصوصی پیشینه‌ی طولانی دارد. از دیدگاه دانش حقوقی، در صورتی که به جان و مال و حیثیت انسان تجاوز شود، حق دفاع برای انسان در نظر گرفته شده است. مبانی مشروعیت این حق متعدد است. برخی نظیر سیسرون برای توجیه حق بر دفاع مشروع به «حقوق طبیعی» متوسل شده‌اند و آن را جزء اوصاف طبیعی و فطری انسان بر می‌شمارد. (کلانتری، ۱۳۸۳: ۸۳-۱۰۲) برخی دیگر همانند حقوقدانان قدیم فرانسه به «نظریه اجبار معنوی» برای تبیین مبنای حقوقی حق دفاع مشروع استناد جسته‌اند و شخص مورد تجاوز را به لحاظ روحی و روانی (در حالتی که مورد تجاوز قرار می‌گیرد)، فاقد اراده و اختیار و مجبور به اقدام دفاعی می‌داند. (صانعی، ۱۳۵۱: ۱۹۴) برخی هم برای توجیه مشروعیت حق دفاع مشروع نظریه «تعارض دو حق» را مطرح نموده‌اند. رنه گارو باور دارد که در تهاجم نامشروع شخصی بر شخص دیگر دو حق در برابر هم قرار می‌گیرد؛ اول، حق متجاوز که با عمل تجاوز تنزل پیدا می‌کند یا کاملاً محو می‌گردد و دوم؛ حق شخص مورد تجاوز که با عمل تجاوز برقرار می‌ماند و سزاوار است که باید حق متجاوز، قربانی حق شخص مورد تجاوز شود. (اردبیلی، ۱۳۷۹: ۱۹۹) برخی نیز نظیر "هگل" «نظریه اجرای حق» را برای تبیین مبنای حقوقی حق دفاع مشروع مطرح نموده است که این دیدگاه اکنون در اساسنامه محکمه جزایی بین‌المللی نیز مورد قبول واقع شده و بازتاب یافته است. طبق این دیدگاه (که هگل، فیلسوف مشهور آلمانی از طرفداران برجسته آن شناخته می‌شود)، تجاوز را نفی حق، دفاع را نفی این نفی و در نتیجه اجرای حق می‌دانند. (اردبیلی، ۱۳۷۹: ۱۹۹) در خصوص اینکه حقی ایجاد شده در حالت تجاوز برای نفی نفی حق مربوط چه کسی است، روشن و مبرهن است که این حق قاعدتاً برای جامعه و دولت ایجاد می‌شود زیرا، اصولاً دفاع از جان، مال و حیثیت افراد به جامعه واگذار گردیده که قوای دولتی مأمور اجرای آن است. اما اینکه در شرایط و احوال خاص، شخص مورد تجاوز آن را اجرا می‌نماید، معلول آنست که دولت اقدام لازم انجام نداده و یا قادر به اقدام فوری برای دفع خطر و تجاوز نباشد از این‌رو، فرد مورد تجاوز حق مزبور را اجرا می‌نماید (حاجی تبار فیروزجائی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۹).

تحولات ناشی از عملیات نظامی فدراسیون روسیه علیه اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوق بین‌الملل معاصر در حوزه منع توسل به زور را رقم زده است. این اقدام، نه تنها اصل بنیادین منع استفاده از زور مندرج در ماده ۲(۴) منشور ملل متحد را



در معرض آزمون قرار داد، بلکه دامنه و حدود حق دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور را نیز به طور جدی مطرح ساخت. روسیه در توجیه اقدام خود به مجموعه‌ای از استدلال‌های حقوقی از جمله دفاع پیش‌دستانه، دفاع مشروع جمعی به درخواست جمهوری‌های خودخوانده دونتسک و لوهانسک، و ادعای جلوگیری از نسل‌کشی استناد کرده است. این ادعاها ضرورت بررسی دقیق انطباق عملیات نظامی روسیه با شرایط دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل را آشکار می‌سازد.

با توجه به اینکه حق دفاع مشروع، استثنایی بر اصل منع توسل به زور تلقی می‌شود، پرسش اساسی آن است که آیا شرایط مقرر برای اعمال این استثنا در قضیه حاضر تحقق یافته است؟ در این چارچوب، رویه قضایی محکمه بین‌المللی عدالت، به ویژه در قضایای نیکاراگوا (۱۹۸۶)، سکوها‌های نفتی (۲۰۰۳)، فعالیت‌های مسلحانه در قلمرو کنگو (۲۰۰۵)، نظریه مشورتی دیوار حائل (۲۰۰۴) و دستور موقت ۲۰۲۲ در پرونده اوکراین علیه روسیه، نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین حدود و قیود دفاع مشروع ایفا می‌کند. بنابراین، سوال اصلی تحقیق این است که آیا وضعیت اوکراین واجد شرایط (حمله مسلحانه) به معنای مقرر در رویه محکمه است؟ بدون شک پاسخ این سوال، باید به سئوالات فرعی همانند: «آیا دفاع مشروع جمعی به درخواست دونتسک و لوهانسک از منظر شرط دولت بودن و انتساب‌پذیری قابل توجیه است؟» و «آیا ادعای وقوع نسل‌کشی می‌تواند مبنای مشروع برای توسل به زور باشد؟» و «آیا معیارهای ضرورت و تناسب در اقدام روسیه رعایت شده است؟»

فرضیه اصلی این تحقیق آن است که عملیات نظامی روسیه علیه اوکراین با شرایط دفاع مشروع مقرر در ماده ۵۱ منشور و معیارهای تثبیت‌شده در رویه قضایی محکمه بین‌المللی عدالت انطباق ندارد. همین‌طور فرضیه‌های فرعی چون؛ وضعیت موجود پیش از ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ واجد شرایط (حمله مسلحانه) به معنای مقرر در رأی نیکاراگوا نبوده است، ادعای دفاع مشروع جمعی به دلیل فقدان وضعیت دولت بودن جمهوری‌های خودخوانده و عدم احراز شرط انتساب، فاقد مبنای حقوقی است، ادعای وقوع نسل‌کشی، مطابق دستور موقت محکمه در پرونده اوکراین علیه روسیه (۲۰۲۲)، اثبات نشده و نمی‌تواند مجوز توسل به زور باشد و گستره و شدت عملیات نظامی روسیه با معیارهای ضرورت و تناسب سازگار نیست؛ می‌تواند برای این تحقیق مطرح باشد.

این تحقیق با شیوه تحلیلی - تفسیری مبتنی بر نظریه تفسیر مضیق ماده ۵۱ منشور ملل متحد در پرتو رویه قضایی محکمه بین‌المللی عدالت است. در این چارچوب، مفهوم (حمله مسلحانه) بر اساس آرای قضایی از جمله قضیه نیکاراگوئه (۱۹۸۶)، سکوی نفتی (۲۰۰۳)، دیوار حائل (۲۰۰۴) و کنگو علیه اوگاندا (۲۰۰۵) تفسیر می‌شود. همچنین معیارهای عرفی «ضرورت» و «فوریت» برگرفته از قضیه کارولین (Caroline) به عنوان شاخص‌های مکمل تحلیل به کار گرفته شده‌اند. بر این اساس، مقاله حاضر با رویکرد تحلیلی - تفسیری، ادعای روسیه را در چارچوب حقوق بین‌الملل موضوعه ارزیابی می‌نماید.

الف) ماهیت حق دفاع مشروع

از نظر لغت‌شناسی، دفاع به معنی دفع شرّ و ضرر و بدی یا آزار را از خود یا کسی دور کردن آمده است و مشروع نیز به معنای راست و درست و آنچه شرع روا دارد و امر مجاز طبق شریعت آمده است. (عمید، ۱۳۷۷: ۴۸) در حقوق جزا، دفاع مشروع «حالتی توجیه‌کننده‌ی جرم و حقی است که قانونگذار آن را با اجتماع شرایطی به عنوان یک قاعده استثنایی در متون جزایی به رسمیت شناخته است.» (ولیدی، ۱۳۷۲: ۱۶۱) یا در تعریف رساتر گفته شده که دفاع مشروع: «حق دفع فوری یک حمله غیر مشروع با توجه به شرایط قانون.» است. (نوربها، ۱۳۷۹: ۲۸۹) این موضوع، همانطوری که در مقدمه نیز گفته شد، از حوزه حقوق داخلی به ادبیات حقوق بین‌المللی تسری یافته است. در حقوق بین‌الملل بحث از دفاع مشروع به عنوان حقی، زمانی معنا پیدا می‌کند که در موضوع جنگ و توسل به زور از نظر حقوق بین‌الملل دیدگاه اعتدالی مورد پذیرش واقع گردیده باشد. چنانچه در مباحث قبلی نیز اشاره گردید؛ تا کنون در مورد پدیده جنگ دو دیدگاه افراطی وجود داشته است. عده‌ای جنگ را به طور مطلق نا مشروع، محکوم و منفور دانسته‌اند، عده‌ای دیگر پس از شکل‌گیری دولت‌های مدرن به این باور شدند که جنگ حق مشروع دولت‌هاست و برای جنگ دولت‌ها، هیچ‌گونه محدودیتی قابل تصوّر نیست. (بیگدلی، ۱۳۹۲: ۴۸۴) بعد از گذر زمان و توسعه‌ای فزاینده‌ی جنگ‌افزارهای مدرن، افزایش قدرت جنگی و تسلیحاتی کشورها و نیز با پیشرفت و پیچیده شدن ماشین جنگ بین‌المللی، دولت‌ها نگران امنیت خود شدند. زیرا، با مشروعیت مطلق جنگ و عدم وجود هیچ محدودیتی برای آن، دولت‌ها همه خود را در معرض خطر احساس می‌کردند و جامعه بین‌المللی را هر لحظه آستان جنگ‌های ویرانگر می‌دیدند که نمونه برجسته آن را در وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم می‌توان به وضوح مشاهده نمود. ازاین پس، اندیشه اعتدالی در مورد جنگ به وجود آمد که براساس آن جنگ علاوه بر اینکه مردود دانسته



می‌شود در برخی مواقع کاملاً ضروری و لازمی نیز پنداشته می‌شود. براساس این دیدگاه، مشروعیت و عدم مشروعیت جنگ و توسل به زور را باید نظر به هر مورد به‌طور جداگانه بررسی و ارزیابی نمود؛ اگر ضرورتی حیاتی برای توسل به زور وجود داشته باشد؛ نه‌تنها اینکه جنگ محکوم نیست بلکه ضروری و بایسته به‌نظر می‌رسد اما اگر چنانچه ضرورت و دلیل حیاتی برای توسل به زور و مخاصمه مسلحانه وجود نداشته باشد باید از ارتکاب آن صرف نظر شود.

در نتیجه، دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل براساس دیدگاه اعتدالی نسبت به جنگ مطرح گردیده است. امروزه با توجه به شباهتی که میان اشخاص حقیقی و دولت‌ها در برخورداری از حق دفاع مشروع وجود دارد؛ این حق برای دولت‌ها نیز در نظام بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است. ازین‌رو، می‌توان دفاع مشروع را در حقوق بین‌الملل چنین تعریف نمود: دفاع مشروع حق دولت‌ها برای اقدام مسلحانه و توسل به زور در برابر کشور متجاوز جهت دفع تجاوز و بیرون راندن نیروهای متجاوز از تمامیت سرزمینی و حدود حاکمیت سیاسی آنها است.

ب) دفاع مشروع در اسناد بین‌المللی

از میان اسناد بین‌المللی، میثاق جامعه ملل، پیمان پاریس و منشور ملل متحد دفاع مشروع را به‌عنوان حق طبیعی و مسلّم دولت‌ها در برابر تجاوز و حمله نظامی علیه آنها به رسمیت شناخته است. میثاق جامعه ملل با رویکرد مهار جنگ تأثیر بسیار زیادی در جهت‌دهی کشورها به‌سوی گفتمان منع توسل به زور در مناسبات بین‌المللی بجا گذاشت. میثاق جامعه ملل هرچند جنگ را صراحتاً منع نکرد اما در ماده (۱۲) تصریح نمود که کشورها زمانی که اختلافی میان شان بروز نماید و این اختلاف سبب قطع روابط میان آنها گردد، باید با شیوه مسالمت‌آمیز به حل و فصل اختلاف بپردازند. ماده (۱۱) میثاق جامعه ملل به‌طور ضمنی، تجاوز و حمله به حریم حاکمیت هر عضو جامعه ملل را محکوم نموده و آن را مستوجب مداخله جامعه ملل دانسته بود. این سند بین‌المللی در ماده (۱۰) تمامی اعضای جامعه ملل را در حالتی که عضوی جامعه ملل مورد تجاوز و حمله قرار می‌گیرد، ملزم به دفاع دانسته و با این موضع خود، بی‌طرفی را برای اعضا غیر قابل قبول خوانده بود. علاوه بر مواد مذکور، بند (۱) ماده (۱۶) میثاق جامعه ملل در موردی که یک دولت علیه تمام اعضای جامعه، اقدام به جنگ نموده باشد، اعضا را ملزم به وضع تحریم‌های اقتصادی و قطع روابط با آنها نموده بود. بنابراین، رویکرد میثاق جامعه ملل در مورد دفاع مشروع به دو موضوع مرتبط بوده است. موضوع اول، ایجاد رویکرد امتناع از جنگ برای دولت‌ها در روابط بین‌المللی و جایگزین

کردن روش حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بجای توسل به جنگ بود. موضوع دوم، وضع قاعده دفاع مشروع برای دولت‌های که مورد حمله و تجاوز کشورهای دیگر قرار می‌گرفت که در این صورت کشور قربانی حمله، هم به‌طور انفرادی از خود دفاع می‌نمود و هم تمام اعضای جامعه ملل ملزم به دفاع از کشور قربانی بود.

پس از میثاق جامعه ملل، دومین سندی بین‌المللی یعنی پیمان پاریس که به حق دفاع مشروع دولت‌ها پرداخت که در سال ۱۹۲۸ میان ۹ کشور قدرت‌مند جهان از جمله آمریکا و فرانسه منعقد گردید. رویکرد پیمان پاریس، تقویت موضع میثاق جامعه ملل و حمایت از اصل منع جنگ و توسل به زور بود. میثاق جامعه ملل به‌طور صریح جنگ را منع نکرده بود اما پیمان پاریس صراحتاً جنگ در راستای اجرای سیاست ملی را منع و محکوم نمود و حق دفاع مشروع را برای دولت‌ها به رسمیت شناخت و اعلام نمود: «این حق در ذات حاکمیت هر دولت و در هر پیمان به‌طور ضمنی وجود دارد. هر دولتی همواره و قطع نظر از مقررات معاهده آزاد است تا از تمامیت ارضی خود در مقابل حمله یا تجاوز دفاع نماید و تنها خود در مورد این تصمیم‌گیری صالح است که آیا شرایط توسل به جنگ را تحت دفاع مشروع ایجاب می‌کند یا خیر؟» (Bishop, 1962: 776)

وضع پیمان پاریس زمینه را برای حمایت دولت‌ها از دو اصل مهم «اصل منع جنگ و توسل به زور» و «اصل حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی» فراهم ساخت. این رویه با وقوع جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ مجدداً مخدوش گردید اما با پایان آن جنگ و وضع و تصویب منشور ملل متحد در سال ۱۹۴۵ دوباره با قدرت بیشتر مطرح گردید. منشور ملل متحد سومین سند موضوعه در زمینه طرح قاعده دفاع مشروع است. نویسندگان حقوق به این نظراند که حق دفاع مشروع از جمله حقوق ذاتی کشورها است و منشور ملل متحد و سایر اسناد موضوعه بین‌المللی صرفاً آن را بازتاب داده‌اند. (شریفی طرازکوهی و مهرانی، ۱۳۹۱: ۶۹)

منشور ملل متحد حق دفاع مشروع دولت‌ها را به‌عنوان استثنائی بر دو اصل منع توسل به زور که در بند (۴) ماده (۲) منشور^۱ و اصل حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی که

^۱. «کلیه اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مبادینت داشته باشد خودداری خواهند کرد.» (بند ۴ ماده ۲ منشور)



در بند (۳) ماده (۲) منشور^۱ بازتاب یافته، مطرح نموده است. اساساً، هدف منشور منع جنگ و توسل به زور است که به عنوان قاعده‌ی کلی پذیرفته است؛ اما این قاعده کلی را در دو مورد استثنا نموده است که شامل، اقدام شورای امنیت برای حفظ و اعاده صلح بین‌المللی به موجب فصل هفتم منشور و دفاع مشروع دولت قربانی حمله مسلحانه به‌طور فردی یا جمعی به موجب ماده (۵۱) منشور ملل متحد می‌گردد.

ج) دفاع مشروع در قواعد غیر موضوعه بین‌المللی

قواعد غیر موضوعه بین‌المللی، شامل قواعد عرفی، رویه قضایی، اصول کلی حقوق بین‌المللی و دکترین حقوق بین‌الملل، حق دفاع مشروع دولت‌ها را مورد تأیید قرار داده است. دفاع مشروع پیش از تدوین اسناد موضوعه بین‌المللی از جمله منشور ملل متحد، از منظر حقوق عرفی بین‌المللی به‌عنوان قاعده‌ی عرفی به رسمیت شناخته شده بود. بر این اساس، حق دفاع مشروع دولت‌ها اساساً ابتکار حقوق عرفی بین‌المللی است اما اینک تعریفی که قواعد موضوعه بین‌المللی از حق دفاع مشروع ارائه می‌نمایند، همان تعریف حقوق عرفی از حق دفاع مشروع است که به منظور مدون ساختن قواعد عرفی صورت گرفته است. علاوه بر حقوق عرفی بین‌المللی، آرای قضایی بین‌المللی نیز در وضع شرایط، حدود، تفسیر و تبیین ماده (۵۱) منشور و قطعنامه شماره (۳۳۱۴) ۱۹۷۴ مجمع عمومی ملل متحد در مورد تعریف تجاوز در مورد موضوعات مطروحه در نزد محکمه بین‌المللی عدالت، نقش شایسته‌ای را ایفا نموده است که از آن جمله می‌توان به رأی قضایی ۱۰ می ۱۹۸۴ محکمه بین‌المللی عدالت در مورد قضیه نیکاراگوا و رأی قضایی صادره مورخ ۶ نوامبر ۲۰۰۳ محکمه بین‌المللی عدالت در مورد قضیه حمله آمریکا به سکوها‌ی نفتی ایران اشاره نمود. آمریکا در حملات خود بالای سکوها‌ی نفتی ایران مدعی بود که از حق دفاع مشروع خود علیه ایران استفاده نموده و آن را معلول حملات ۱۶ اکتبر ۱۹۸۷ به تانکر کویتی «سی‌آیل‌سیتی» که پرچم آمریکا بالای آن افراشته شده بود و برخورد کشتی جنگی آمریکا «یواس اس ساموئل بی رابرتس» با مین دریایی در منطقه آبهای بین‌المللی در ۱۴ آوریل ۱۹۸۸ که هردو حمله به ایران نسبت داده شده بود، می‌دانست. دیوان در این قضیه اولاً، انتساب اعمال مذکور را به ایران از سوی آمریکا قابل

۱. «کلیه اعضا اختلافات بین‌المللی خود را با شیوه مسالمت‌آمیز به طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیفتد، حل خواهند کرد.» (بند ۳ ماده ۲ منشور)

اثبات ندانسته و از سوی دیگر به فرض درست بودن ادعای آمریکا مبنی بر اینکه حمله به تانکر (سی‌آیل‌سیتی) و کشتی جنگی (یواس‌اس ساموئیل بی رابرتس) آمریکا از سوی ایران صورت گرفته باشد، این اقدامات را از نظر (درجه شدت) در حدی ندانسته است که بیانگر حمله مسلحانه یا اقدامات متجاوزانه باشد. (قاسمی و چهاربخش، ۱۷۷: ۱۳۹۰-۱۸۲)

حق دفاع مشروع دولت‌ها امروزه در اصول کلی حقوق بین‌الملل نیز با توجه به تأکید منشور ملل متحد و اهتمام محکمه بین‌المللی عدالت در قضایایی متعدد به عنوان اصل کلی پذیرفته شده و در نزد همه ملل جهان و کشورها اعتبار دارد و در بسیاری موارد، مستند اقدامات بین‌المللی کشورها بوده است. دکترین حقوق بین‌الملل نیز نقش سازنده در تحول و توسعه مفهوم حق دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل ایفا نموده و به‌عنوان نمونه می‌توان از دکترین دفاع مشروع پیش‌دستانه که امروزه یکی از مباحث جدی در حقوق بین‌الملل است، یاد نمود. (موسوی و حاتمی، ۱۳۸۵: ۳۰۴).

براین اساس، حق دفاع مشروع، امروزه از زمره قواعد حقوق بین‌المللی و از حقوق ذاتی دولت‌ها دانسته شده، اما این حق مطلق و عاری از قید و شرط نیست. تمامی قواعد عرفی و مدون بین‌المللی، آرای قضایی و دکترین حقوق بین‌الملل پیرامون حق دفاع مشروع دولت‌ها، متفقا شرایطی را برای برخورداری و استفاده از حق دفاع مشروع مطرح نموده‌اند: ۱. وقوع حمله مسلحانه؛ ۲. عدم اقدام شورای امنیت؛ ۳. فوریت؛ ۴. ضرورت؛ ۵. تناسب و شدت.

د) تحلیل استدلال‌های روسیه برای حمله به اوکراین

برای رسیدن به پاسخ سؤال اصلی تحقیق، بررسی استدلال‌های روسیه در حمله نظامی به اوکراین ضروری است که در بیانیه رسمی آن کشور وجود دارد که توسط رئیس جمهور پوتین ایراد گردیده است.

آقای پوتین در لحظه‌های آغازین حمله به تاریخ ۲۴ فبروری ۲۰۲۲ با صدور بیانیه‌ای، چند دلیل را برای اقدام مسلحانه‌ای کشورش ارائه کرده بود: ۱. مداخله بشردستانه در مناطق دونتسک و لوهانسک به اتهام اینکه اوکراین در مناطق مذکور مرتکب جنایت نسل‌کشی شده اند؛ ۲. حمایت از جمهوری‌های خودخوانده لوهانسک و دونتسک به دلیل اینکه مناطق مذکور به عنوان کشورهای مستقل از دولت اوکراین توسط روسیه قبلاً به رسمیت شناخته شده و پیمان همکاری نظامی با آنها امضا نموده است؛ و ۳. مهم‌تر از همه توسل به دفاع مشروع



فردی پیش‌دستانه جهت جلوگیری دفع تهدیدات بالقوه رقبای ناتو از طریق خاک اوکراین. (Putin2022, Para. 5) اکنون باید به این مسأله پرداخته شود که تا چه اندازه این استدلال حقوقی رئیس جمهور روسیه برای توجیه عملکرد نظامی آن کشور بر ضد اوکراین، می‌تواند از منظر حقوق بین‌الملل قانع‌کننده و پذیرفتنی است.

۱. دفاع مشروع جمعی علیه اکرین

از استدلال‌های حقوقی روسیه برای توجیه حمله به اکرین، مستقل بودن دولت‌های دونتسک و لوهانسک از کشور اکرین و اقدام به دفاع مشروع جمعی روسیه از مناطق یادشده است. محکمه بین‌المللی عدالت در قضیه نیکاراگوا تصریح نموده که اعمال دفاع مشروع جمعی مستلزم وجود «دولت قربانی» و درخواست صریح آن دولت برای کمک نظامی است. (محکمه بین‌المللی عدالت، ۱۹۸۶، بند ۱۹۹) افزون بر این، وقوع (حمله مسلحانه) علیه آن دولت نیز باید احراز گردد (همان، بند ۱۹۵) بنابراین، دو شرط اساسی برای پذیرش استدلال روسیه برای توسل به دفاع مشروع جمعی مطرح است: ۱. احراز شخصیت حقوقی دولت متقاضی و ۲. اثبات وقوع حمله مسلحانه علیه مناطق لوهانسک و دونتسک.

پرسش بنیادین این است که آیا این واحدها دولت هستند یا خیر؟ مطابق معیارهای کنوانسیون مونتویدئو ۱۹۳۳، دولت باید دارای جمعیت دائم، قلمرو معین، حکومت مؤثر و توانایی برقراری روابط بین‌المللی باشد. (کنوانسیون مونتویدئو، ۱۹۳۳: ماده ۱) حتی با فرض احراز برخی عناصر عینی، شناسایی محدود این واحدها و وابستگی عملی آنها به روسیه، وضعیت شخصیت بین‌المللی مستقل مناطق مذکور را محل تردید جدی قرار می‌دهد. در دکترین غالب حقوق بین‌الملل، شناسایی یک‌جانبه از سوی یک یا چند دولت، به‌تنهایی منشأ ایجاد دولت جدید محسوب نمی‌شود. در نتیجه، اگر دونتسک و لوهانسک دولت تلقی نگردند، استناد به دفاع مشروع جمعی از اساس فاقد مبنای حقوقی خواهد بود.

۲. تهدید حمله غیر مستقیم به روسیه

از ابعاد مهم استدلال روسیه، ادعای حمایت نظامی و تسلیحاتی غرب از اوکراین بود. با این حال، محکمه در قضیه نیکاراگوا میان «ارسال نیروهای منظم مسلح» و «حمایت مالی یا تسلیحاتی از گروه‌های شورشی» تفکیک قایل شد و اعلام داشت که صرف کمک یا حمایت غیرمستقیم لزوماً به سطح حمله مسلحانه نمی‌رسد. (محکمه بین‌المللی عدالت، ۱۹۸۶،

بندهای ۱۹۵ و ۲۲۸) محکمه هم‌چنین در قضیه فعالیت‌های مسلحانه در قلمرو کنگو نیز تأکید کرد که برای توسل به دفاع مشروع، حمله باید به یک دولت قابل انتساب باشد. (محکمه بین‌المللی عدالت، ۲۰۰۵، بندهای ۱۴۶-۱۴۷)

بنابراین، حتی اگر حمایت‌های خارجی از اوکراین اثبات شود، مادامی که این حمایت‌ها در حد اعزام نیروهای منظم یا کنترل مؤثر بر عملیات نظامی علیه روسیه نباشد، نمی‌تواند در قالب (حمله مسلحانه) علیه روسیه تحلیل شود. این برداشت با معیار «مقیاس و آثار» که در رأی نیکاراگوآ مطرح گردید نیز همخوان است. (محکمه بین‌المللی عدالت، ۱۹۸۶، بند ۱۹۵)

۳. ادعای نسل‌کشی و استناد به کنوانسیون ۱۹۴۸

روسیه در توجیه اقدام نظامی خود به ادعای وقوع نسل‌کشی علیه روس‌تباران در منطقه دونباس استناد و آن را در چارچوب کنوانسیون منع نسل‌کشی ۱۹۴۸ مطرح کرده است. با این حال، در پرونده «ادعاهای نسل‌کشی (اوکراین علیه فدراسیون روسیه) طبق کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌کشی»، محکمه بین‌المللی عدالت در دستور اقدامات موقت مورخ ۱۶ مارچ ۲۰۲۲ اعلام کرد که شواهد ارائه شده برای اثبات وقوع نسل‌کشی کافی نیست و از روسیه خواست فوراً عملیات نظامی خود را تعلیق نماید. (محکمه بین‌المللی عدالت، ۲۰۲۲، بندهای ۵۸-۶) اهمیت این دستور در آن است که محکمه به‌طور ضمنی رابطه میان ادعای نسل‌کشی و توسل به زور را زیر سؤال برد و نشان داد که حتی در فرض وجود اختلاف در تفسیر کنوانسیون، استفاده یک‌جانبه از زور راه‌حل مجاز تلقی نمی‌شود.

ه) اقدام نظامی روسیه و شرایط دفاع مشروع

ضمن بررسی استدلال‌های رسمی کشور روسیه برای توجیه حقوقی حمله به اوکراین، لازم است که اصل حمله نظامی روسیه به اوکراین نیز با معیارهای پذیرفته شده دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل بررسی گردد و گفتارهای ذیل اقدامات نظامی روسیه را از منظر عناصر (حمله مسلحانه)، (عدم اقدام شورای امنیت)، (ضرورت داشتن)، (فوریت) و (تناسب) تجزیه و تحلیل می‌کند.

۱. حمله مسلحانه

هرچند دفاع مشروع فردی به‌عنوان حق ذاتی برای دولت‌ها در نظر گرفته شده است اما حقوق موضوعه بین‌المللی نخستین شرط استفاده از حق دفاع مشروع را حمله مسلحانه دانسته است.



این شرط به‌طور صریح در ماده (۵۱) منشور ملل متحد بازتاب یافته است.^۱ ماده مذکور با عبارت صریح «if an armed attack occurs» آغاز می‌شود. (منشور ملل متحد، ۱۹۴۵: ماده ۵۱) تفسیر لفظی این عبارت نشان می‌دهد که اعمال حق دفاع مشروع مشروط به تحقق یک واقعه عینی و بالفعل به نام (حمله مسلحانه) است. استفاده از فعل زمان حال ساده همراه با شرط وقوع (occurs) بیانگر آن است که منشور تحقق یک رویداد مادی مشخص را پیش‌فرض اعمال این حق قرار داده است، نه صرف وجود تهدید یا احتمال وقوع تهدید. محکمه بین‌المللی عدالت در قضیه نیکاراگوا تصریح نموده که هر نوع توسل به زور لزوماً در حد (حمله مسلحانه) محسوب نمی‌شود و باید از شدت و آثار معینی برخوردار باشد.

بنابر این، تمایز میان (استفاده از زور) (use of force)، (تهدید به زور) (threat of force) و (حمله مسلحانه) (armed attack) از منظر حقوقی اهمیت بنیادین دارد. مفهوم (استفاده از زور) طبق بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد معنای وسیع‌تر از (حمله مسلحانه) دارد. محکمه بین‌المللی عدالت در قضیه نیکاراگوا به صراحت اعلام نموده است که هرگونه (استفاده از زور) به مرحله (حمله مسلحانه) نمی‌رسد. (محکمه بین‌المللی عدالت، ۱۹۸۶: بند ۱۹۵) این رویکرد در قضیه سکوه‌ای نفتی مجدداً مورد تأیید قرار گرفته. (محکمه بین‌المللی عدالت، ۲۰۰۳: بند ۵۱) و در نظریه مشورتی برای قضیه کنگو علیه اوگاندا نیز به انتساب عمل تأکید شده است که در واقع مؤید آرا گذشته محکمه است. (محکمه بین‌المللی عدالت، ۲۰۰۵: بند ۱۴۶) در نتیجه هر حمله مسلحانه شامل استفاده از زور است؛ اما هر (استفاده از زور)، نمی‌تواند (حمله مسلحانه) نیز باشد. اصطلاح (تهدید به زور) نیز طبق بند ۴ ماده ۲ منشور ممنوع است و این موضع در رای مشورتی محکمه بین‌المللی عدالت در قضیه مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای نیز بازتاب یافته و مشروعیت تهدید به زور را تابع مشروعیت استفاده از زور دانسته است. (محکمه بین‌المللی عدالت، ۱۹۹۶: بند ۴۷) بنا بر این، تهدید به زور حتی اگر به‌طور غیر قانونی هم صورت بگیرد، مجوز به کارگیری حق دفاع مشروع برای طرف مقابل نیست.

^۱ ماده (۵۱) منشور ملل متحد: «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یکی از اعضای ملل متحد، تازمانی که شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع فردی یا جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد ساخت.»

اما (حمله مسلحانه) مطابق علاوه بر نص ماده (۵۱) منشور، در آرای قضایی محکمه بین‌المللی عدالت به‌طور واضح تبیین گردیده است. در رویه محکمه، حمله مسلحانه مستلزم شدت، گستره و آثار قابل توجه است. محکمه بین‌المللی عدالت در قضیه «فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوا و علیه آن» میان (استفاده از زور) و (حمله مسلحانه) تمایز قائل شده و تصریح نموده که هر مورد استفاده از زور لزوماً به سطح حمله مسلحانه نمی‌رسد. (محکمه بین‌المللی عدالت، ۱۹۸۶، بند ۱۹۱) محکمه در ادامه تأکید کرده که (حمله مسلحانه) شدیدترین شکل استفاده از زور است و باید از نظر «مقیاس و آثار» (scale and effects) به سطح معینی برسد تا بتواند موجب فعال شدن حق دفاع مشروع گردد (همان، بند ۱۹۵) هم‌چنین محکمه در همان رأی میان «اعزام نیروهای منظم نظامی» و «حمایت مالی یا تسلیحاتی از گروه‌های شورشی» تفکیک نمود و اعلام داشت که صرف کمک یا حمایت غیرمستقیم، در همه موارد، به‌عنوان حمله مسلحانه تلقی نمی‌شود. (همان، بندهای ۱۹۵ و ۲۲۸) این رویکرد در قضیه «سکوهای نفتی» نیز مورد تأیید قرار گرفت؛ جایی که دیوان تأکید نمود دولت مدعی دفاع مشروع باید وقوع حمله‌ای با شدت کافی و قابل انتساب را اثبات نماید و صرف ادعا یا وقوع حوادث پراکنده کفایت نمی‌کند. (محکمه بین‌المللی عدالت، ۲۰۰۳، بندهای ۵۱-۶۴) در قضیه «فعالیت‌های مسلحانه در قلمرو کنگو (کنگو علیه اوگاندا)» نیز محکمه بر عنصر «انتساب‌پذیری» تأکید کرد و بیان داشت که برای توسل به دفاع مشروع، حمله باید به یک دولت قابل انتساب باشد و صرف حضور گروه‌های مسلح غیردولتی بدون احراز شرایط لازم، مجوز استفاده از زور علیه دولت میزبان محسوب نمی‌شود (محکمه بین‌المللی عدالت، ۲۰۰۵، بندهای ۱۴۶-۱۴۷) علاوه بر این، محکمه در نظریه مشورتی «دیوار حائل» نیز مجدداً تصریح نمود که ماده ۵۱ منشور ناظر بر وقوع حمله مسلحانه است و این ماده را نمی‌توان به وضعیت‌های کلی ناامنی یا تهدیدات مبهم تسری داد. (محکمه بین‌المللی عدالت، ۲۰۰۴، بند ۱۳۹) از این‌رو، وقوع حمله مسلحانه به‌عنوان مهم‌ترین شرط حق دفاع مشروع دولت‌ها است؛ چنانچه در نص ماده ۵۱ منشور آمده است و در رویه قضایی بین‌المللی نیز با تفسیر مضیق بازتاب یافته است.

علاوه بر تفسیر رأی قضایی در خصوص حمله مسلحانه، دو نکته دیگر نیز نباید از نظر دور باشد. اول اینکه صراحت ماده (۵۱) منشور ملل متحد متنی بر مشروط نمودن استفاده از حق دفاع مشروع به وقوع حمله مسلحانه توسط کشور متجاوز، کاملاً هویدا و هم‌راستا با قاعده آمره



«منع توسل به زور» طبق بند ۴ ماده ۲ منشور است و این خود برای تفسیر مضیق از ماده (۵۱) منشور و مشروط نمودن استفاده از حق دفاع مشروع به وقوع حمله مسلحانه کافی به نظر می‌رسد. (شریفی طرازکوهی و مهرانی، ۱۳۹۱: ۹۰) اما در کنار این برداشت، برداشتی دومی نیز در قالب (دفاع مشروع پیشگیرانه) یا (دفاع مشروع پیشدستانه) میان حقوقدانان و به خصوص در رویه عملی کشورها وجود داشته است. طبق این برداشت، استفاده از حق دفاع مشروع نه تنها پس از وقوع حمله مسلحانه از سوی کشور متجاوز برای کشور قربانی ایجاد می‌شود بلکه حتی در مواردی، یک کشور به‌طور پیشگیرانه یا پیشدستانه نیز می‌تواند به استفاده از حق دفاع مشروع متوسل شود. مراد از نظریه دفاع مشروع پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل آن است که یک کشور به این نتیجه رسیده است که با کشور جانب مقابل در آینده وارد جنگ خواهد شد اما وقوع این جنگ فوری نیست. در این نوع دفاع، یکی از طرف‌ها با استناد به تهدیدهای بالقوه‌ای موجود در ظرفیت نظامی یا غیر نظامی جانب مقابل و به منظور سرکوب توانمندی‌های رقیب و تخریب ظرفیت جنگی دشمن بر آن حمله می‌نماید. (ظریف و آهنی امینه، ۱۳۹۱: ۴۶) اما در دفاع مشروع پیشدستانه آنگونه‌ای که در گزارش ۲۱ مارچ ۲۰۰۵ دبیر کل سازمان ملل متحد بازتاب یافته است، اقدام به دفاع مشروع از سوی یک کشور در صورتی انجام می‌شود که حمله علیه آن کشور قریب‌الوقوع باشد و احتمال آن وجود دارد که فوراً به وقوع می‌پیوندد یا حتی ممکن است حمله‌ای علیه آن کشور اتفاق افتاده و کشور قربانی حمله مطمئن گردیده است که حملات بیشتری در حال طراحی است و بر ضد آن انجام می‌شود. (موسوی و حاتمی، ۱۳۸۵: ۳۰۴) بنا بر این، در حقوق بین‌الملل موضوع «دفاع پیشدستانه» و «دفاع پیشگیرانه» فاقد دلیل است اما در برخی موارد، صرفاً «دفاع مشروع پیشدستانه» در صورت «فوری و قطعی بودن تهدید» مجاز دانسته شده (United Nations, 2005) که در این صورت اگر تهدیدی علیه کشوری استفاده‌کننده از دفاع پیشدستانه، قطعاً موجود باشد و حتماً و فوراً انجام شود یا اینکه حمله علیه آن کشور از سوی کشور مرجع تهدید یکبار انجام شده و حملات بعدی نیز قطعاً و فوراً در حال برنامه‌ریزی و انجام باشد، حق دفاع مشروع پیشدستانه برای کشور تهدیدشونده ایجاد می‌گردد. (ظریف و آهنی امینه، ۱۳۹۱: ۴۶)

در تحلیل ادعای دفاع مشروع روسیه نیز، تمایز میان دفاع پیش‌دستانه و دفاع پیشگیرانه اهمیت بنیادین دارد. رویه قضایی محکمه بین‌المللی عدالت، به‌ویژه در قضیه نیکاراگوا، بر لزوم وقوع حمله مسلحانه بالفعل برای فعال شدن ماده ۵۱ منشور تأکید کرده است. (محکمه

بین‌المللی عدالت، ۱۹۸۶، بند ۱۹۵) همچنین در نظریه مشورتی دیوار حائل، محکمه تصریح نمود که ماده ۵۱ تنها در صورت وقوع حمله مسلحانه قابل اعمال است. (محکمه بین‌المللی عدالت، ۲۰۰۴، بند ۱۳۹) این رویکرد با پذیرش دفاع پیشگیرانه سازگار نیست که مبتنی بر تهدیدات غیر فوری است.

استدلال‌های رسمی روسیه درباره گسترش ناتو و تهدیدات امنیتی آتی، بیش از آنکه در چارچوب دفاع پیش‌دستانه قرار گیرد، به منطق دفاع پیشگیرانه نزدیک است. این برداشت با تحول دکترین امنیت ملی روسیه در اسناد سال‌های اخیر نیز همخوانی دارد؛ جایی که (تهدیدات بالقوه) و (محیط ژئوپلیتیک خصمانه) به‌عنوان مبنای اقدامات پیش‌گیرانه معرفی شده‌اند. با این حال، تحول در دکترین ملی یک دولت نمی‌تواند حدود استثنای مقرر در ماده ۵۱ منشور را گسترش دهد؛ چرا که تفسیر مضیق این ماده در رویه قضایی دیوان تثبیت شده است.

از سوی هم در برخی تفاسیر نظری حقوقی، این دیدگاه مطرح شده است که ممکن است مجموعه‌ای از اقدامات خصمانه که به‌تنهایی به سطح حمله مسلحانه نمی‌رسند، در صورت برخورداری از پیوند موضوعی و زمانی، بتوانند در مجموع واجد وصف (حمله مسلحانه) تلقی شوند؛ نظریه‌ای که از آن به نام نظریه «تجمع رخدادها» (Accumulation of Events) تعبیر می‌شود. هرچند محکمه بین‌المللی عدالت در قضیه نیکاراگوا معیار «مقیاس و آثار» را مطرح نمود (محکمه بین‌المللی عدالت، ۱۹۸۶، بند ۱۹۵)، اما هرگز به‌طور صریح پذیرش قاعده‌ای کلی مبنی بر تجمع اقدامات پراکنده را اعلام نکرده است. افزون بر این، حتی با فرض پذیرش این نظریه، اقدامات مورد ادعای روسیه از جمله گسترش ناتو یا حمایت تسلیحاتی غرب از اوکراین یا تهدیدات فزاینده قبل از حمله از نظر شدت، فوریت و انتساب‌پذیری به سطحی نمی‌رسد که بتوان آن را معادل حمله مسلحانه بالفعل دانست.

همچنین در رویه قضایی محکمه، صرف حمایت مالی، آموزشی یا تسلیحاتی از یک دولت یا گروه مسلح، بدون اعزام نیروهای مسلح منظم یا مداخله مستقیم نظامی، در زمره (حمله مسلحانه) قرار نمی‌گیرد و (همان، بند ۲۲۸؛ محکمه بین‌المللی عدالت، ۲۰۰۵، بند ۱۴۶) از این‌رو، استناد به حمایت‌های غیرمستقیم یا نیابتی نیز نمی‌تواند مفاد ماده ۵۱ منشور را تأمین نماید.

۲. عدم اقدام شورای امنیت

دومین شرط اساسی برای توسل به دفاع مشروع فردی از سوی دولت‌ها، عدم اقدام شورای امنیت سازمان ملل متحد است. این شرط نیز برگرفته از نص ماده (۵۱) منشور ملل متحد است که صراحتاً یادآوری نموده است «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یکی از اعضای ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، هیچ‌یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع فردی یا جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد ساخت». مفهوم این ماده آن است که در صورتی که تجاوزی علیه یک کشور صورت گرفته باشد، طبق مواد مندرج در فصل هفتم و هشتم منشور، شورای امنیت از حق عمومی برای توسل به زور جهت حفظ صلح و امنیت بین‌الملل برخوردار است. بر این اساس، صرفاً در صورتی یک کشور می‌تواند در اقدام نظامی خود علیه کشوری دیگر به استفاده از حق دفاع مشروع فردی استناد نماید که تجاوزی علیه آن کشور صورت گرفته باشد و شورای امنیت تا آن لحظه اقدامی علیه متجاوز انجام نداده باشد. این را نیز باید یادآوری نمود که توسل به زور طبق بند ۴ ماده ۲ منشور ممنوع است (که قاعده آمره بین‌المللی است) و صرفاً در دو مورد به طور استثنایی نقض آن مجاز دانسته شده است که یکی اقدام شورای امنیت علیه کشور مخل نظم، صلح و امنیت بین‌المللی و دوم، دفاع مشروع فردی که از سوی کشور قربانی تجاوز انجام می‌شود. میان این دو نوع دفاع مشروع، اقدام شورای امنیت از اولویت برخوردار است؛ بدین مفهوم که اگر شورای امنیت سازمان ملل متحد از مجاری نظامی یا غیر نظامی اقدام به مقابله مؤثر با متجاوز کرده باشد، در اینصورت حق دفاع مشروع فردی کشور قربانی تجاوز ساقط می‌گردد. (ظریف و آهنی امینه، ۱۳۹۱: ۷۶) اما اقدام شورای امنیت از جهات مختلف ممکن است زمانبر باشد و این سبب گردیده است که کشور قربانی حمله بتواند تا اقدام شورای امنیت به استفاده از حق دفاع مشروع متوسل شود و اگر چنانچه کشور قربانی حمله منتظر اقدام شورای امنیت بماند؛ از آنجا که تصمیم شورای امنیت نیز با رأی‌گیری و بسیاری از ملاحظات بین‌المللی همراه بوده و مستلزم اتفاق نظر اعضای دایمی شورای امنیت است، بنابراین ممکن است از نظر نظامی حملات متجاوز استمرار یابد و سبب ضربه‌های جبران‌ناپذیر بر کشور قربانی حمله گردد. ازین‌رو، کشور قربانی حمله صرفاً تا زمانی که شورای امنیت وارد اقدام نشده، می‌تواند از حق دفاع مشروع فردی برخوردار باشد. این نکته را نیز باید اضافه نمود که به موجب ماده (۵۱) منشور، کشور قربانی حمله در صورت متوسل شدن



به زور با استناد به دفاع مشروع فردی، از اقدام خود فوراً به شورای امنیت سازمان ملل متحد اطلاع دهد. به نظر می‌رسد که این قسمت ماده (۵۱) منشور برای شورای امنیت به‌عنوان یگانه مرجع عمومی صلاحیت‌دار برای استفاده از زور این قابلیت را ایجاد خواهد کرد که از یکسو بتواند تدابیر لازم را برای جلوگیری و مقابله با تجاوز روی دست گیرد و مهم‌تر از آن فرصت پیدا نماید که تجاوز و دفاع را با دقت بررسی و با حصول اطمینان از موجود بودن کلیه شرایط تحقق تجاوز و دفاع تصمیم لازم را اتخاذ نماید.

بررسی حمله نظامی ۲۴ فبروری ۲۰۲۲ روسیه به اوکراین از این منظر نیز قابل توجه و دفاع نیست بدلیل اینکه پس از آغاز تهاجم نظامی روسیه به اوکراین، شورای امنیت سازمان ملل متحد، نه تنها از حمله مذکور حمایت نکرد، بلکه با برگزاری چندین جلسه اضطراری برای مهار این جنگ اقدام به تصویب قطعنامه‌ای نمود که طبق آن حمله نظامی روسیه به اوکراین نا مشروع و فاقد دلایل قانون دانسته شده و محکوم گردیده بود. (United Nations Security Council, 2022:155) پیش‌نویس قطعنامه مذکور که در تاریخ ۲۵ فبروری ۲۰۲۲ یک روز پس از شروع حمله نظامی روسیه به اوکراین از سوی آمریکا و آلبانی پیشنهاد و در شورای امنیت به رأی گیری شد؛ اما روسیه از تصویب آن با استفاده از حق وتو جلوگیری نمود. این نشان می‌دهد که در حمله روسیه به اوکراین نه تنها شر (استفاده از حق دفاع مشروع تا اقدام شورای امنیت) فراهم نبوده بلکه، شورای امنیت به صرف اطلاع از حمله نظامی روسیه به اوکراین و با بررسی مشروعیت اقدام روسیه، تلاش‌های فوری خود را برای جلوگیری از حملات آن کشور روی دست می‌گیرد. زیرا، شورای امنیت که از حق عمومی برای هرگونه اقدام مناسب علیه کشور متجاوز برخوردار است پس از اطلاع و بررسی حملات روسیه به این نتیجه می‌رسد که اقدام روسیه تحت عنوان دفاع مشروع فاقد منطق حقوقی و محکوم است و حتی پس از رد قطعنامه یادشده از مجمع عمومی سازمان ملل درخواست می‌نماید که جلسه اضطراری برگزار نموده و پیرامون این جنگ موضع‌گیری نماید. جلسات اضطراری مجمع عمومی نیز با صدور قطعنامه، حملات نظامی روسیه به اوکراین را نه تنها

به‌عنوان دفاع مشروع تأیید نمی‌کند بلکه آن را محکوم نموده و درخواست توقف فوری آن را می‌نماید. (United Nations General Assembly, 2022:11/1) هرچند قطعنامه شماره (۱) جلسه اضطراری شماره (۱۱) مورخ ۲ مارچ ۲۰۲۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که پس از رد طرح قطعنامه شماره (۱۵۵) مورخ ۲۵ فبروری ۲۰۲۲ شورای امنیت و در



پی درخواست شورای امنیت مبنی به برگزاری جلسه اضطراری مجمع عمومی صادر گردیده است از الزام‌آوری برخوردار نمی‌باشد اما ارزش حقوقی آن برای نشان دادن اراده و موضع جامعه بین‌المللی در قبال حمله روسیه به اوکراین از یکسو و حمایت از مفاد و شرایط مندرج در منشور ملل متحد پیرامون دفاع مشروع از سوی دیگر هم چنان درخور توجه است.

۳. ضرورت

ضرورت در مفهوم عام، از عوامل رافع مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل است اما در مفهوم خاص، از شرایط استفاده از حق دفاع مشروع دولت‌ها شناخته می‌شود. (شریفی طرازکوهی و مهرانی، ۱۳۹۱: ۷۲) این مقوله در مبحث دفاع مشروع نه به‌عنوان گزاره‌ی حقوقی مستقل بلکه به حیث یکی از شرایط و معیارهای مشروعیت دفاع دولت‌ها دانسته می‌شود. اساساً (ضرورت) در این معنا (یکی از شرایط و ارکان استفاده از حق دفاع مشروع)، صراحتاً در منشور یادآوری نگردیده است؛ بلکه به موجب قواعد عرفی و آرای قضایی بین‌المللی این شرط برای مشروعیت توسل به دفاع مشروع لازم دانسته شده است. (قاسمی و چهاربخش، ۱۳۹۰: ۱۸۱) بنا بر این، با توجه به اصل ممنوعیت توسل به زور و وضعیت استثنایی توسل به دفاع مشروع، باید از شرط (ضرورت) تفسیر و معنای مضیق افاده شود. لذا، در این معنا تنها زمانی دفاع مشروع از شرط (ضرورت) برخوردار خواهد بود که گزینه منطقی دیگری برای مقابله با حمله مسلحانه کشور متجاوز وجود نداشته باشد. (شریفی طرازکوهی و مهرانی، ۱۳۹۱: ۷۴) از این‌رو، اگر کشور متجاوز با حمله نظامی علیه کشوری، سبب ایجاد حق دفاع مشروع برای آن کشور گردد، کشور قربانی حمله اگر راه مقابله غیر نظامی برای دفع تجاوز داشته باشد، نمی‌تواند به اقدام مسلحانه برای استفاده از حق دفاع مشروع استفاده نماید. زیرا، اساس و بنیان شرط (ضرورت) جواز یا عدم جواز توسل به زور در قالب دفاع مشروع است.

حمله روسیه به اوکراین، روشن است که از این منظر نیز فاقد مشروعیت است؛ زیرا، هیچ ضرورتی که درماندگی کشور روسیه را در برابر اوکراین نشان دهد و هیچ راهی دیگری برای مقابله با تهدید یا حمله اوکراین (بالفرض) جز با حمله نظامی وجود نداشته باشد، در زمان حمله نظامی روسیه به اوکراین دیده نمی‌شود. حال به فرض اینکه طبق اعلامیه رسمی کشور روسیه مبنی به توجیه حقوقی حمله نظامی به اوکراین، تهدید بالقوه از سوی اوکراین علیه روسیه وجود داشته است، حتی اگر (پیشگیرانه بودن حمله روسیه) را نادیده بگیریم و قائل به ایجاد حق دفاع مشروع برای روسیه باشیم، بازهم شرط (ضرورت) اجازه نمی‌دهد که روسیه

در توسل به دفاع مشروع از قوه نظامی علیه اوکراین استفاده نماید. زیرا، گزینه‌های غیر نظامی برای دفع (تهدید بالقوه) به گفته رئیس جمهور روسیه می‌توانست مؤثر باشد.

۴. فوریت

فوریت داشتن دفاع مشروع، بدین معنا است که میان حمله متجاوزانه کشور متجاوز و اقدام دفاعی کشور استفاده‌کننده از حق دفاع مشروع نباید چنان فاصله زمانی وجود داشته باشد که شرط ضرورت دفاع از بین برود. به بیان دیگر، کشور قربانی تجاوز، صرفاً زمانی حق دارد به دفاع مشروع دارد که از یکسو شورای امنیت اقدامات لازم و مؤثر را علیه متجاوز انجام نداده باشد و از سوی دیگر، پیوند زمانی میان دفاع و تجاوز از بین نرفته باشد. هرچند در مورد تعیین بازه زمانی برای تشخیص (فوریت) دفاع مشروع هیچ سندی موضوعه‌ای در حقوق بین‌الملل وجود ندارد اما، از منظر قواعد عرفی و رویه قضائی بین‌المللی (ICJ Reports 1986, para 237)، چنین بدست می‌آید که کشور قربانی تجاوز، بتواند پیوند دفاع مسلحانه‌ای خود را با عمل متجاوزانه کشور متجاوز ثابت و توجیه نماید. براین اساس اگر پس از تجاوز، تحولی پیش بیاید که سبب از بین رفتن عنصر (ضرورت) دفاع مشروع گردد یا شورای امنیت علیه متجاوز اقدام مؤثری را روی دست گرفته باشد در این صورت (فوریت) دفاع مشروع فردی کشور قربانی تجاوز از بین می‌رود و هرگونه اقدام کشور قربانی تحت عنوان استفاده از حق دفاع مشروع نه تنها قانونی دانسته نمی‌شود بلکه خود عمل متجاوزانه دیگری در برابر کشور متجاوز خوانده می‌شود. (شریفی طرازکوهی و مهرانی، ۱۳۹۱: ۷۳)

بررسی حمله روسیه به اوکراین با استدلال استفاده از حق دفاع مشروع از نظر فراهم بودن شرط زمانی «فوریت داشتن عمل دفاعی» نیز با چالش مواجه است. زیرا، اگر قائل به مشروعیت دفاع مشروع پیشدستانه نباشیم، اصلاً حمله‌ای از سوی اوکراین علیه روسیه صورت نگرفته تا بتوان میان تجاوز اوکراین و دفاع روسیه عنصر زمانی (فوریت دفاع روسیه) را بررسی نمود. به فرض اینکه دفاع پیشدستانه را همانگونه که در مباحث پیشین نیز مورد اشاره قرار گرفت، با شرایطی بپذیریم، استدلال رئیس جمهور روسیه مبنی بر اینکه حمله روسیه به اوکراین علیه «متجاوزان بالقوه» صورت گرفته و غرب و اوکراین را عملاً تهدیدی بالقوه در برابر روسیه معرفی می‌کند. (رشیدی، ۱۴۰۰: ۳۲۴)، نمی‌توان حتی با دفاع پیشدستانه نیز توجیه نمود. زیرا، دو شرط اصلی اعتبار دفاع مشروع پیشدستانه (فوریت داشتن تهدید) و (قطعی بودن وقوع حمله) هرگز در اوکراین یا از سوی اوکراین و غرب ملاحظه و تأیید نگردیده است. از این رو تحت هر عنوانی، توسل به زور علیه

اوکراین از سوی روسیه نمی‌تواند با منطق توسل به دفاع مشروع توجیه گردد، زیرا عنصر زمانی (فوریت داشتن دفاع) نیز در اینجا منتفی است.

۵. تناسب

از شرایط به کارگیری حق دفاع مشروع که قواعد عرفی و رویه قضائی بین‌المللی بدان اشاره نموده است، تناسب داشتن (اقدام دفاعی) با (عمل تجاوز) از نظر شدت و کیفیت است. (موسوی و حاتمی، ۱۳۸۵: ۳۱۹) عنصر تناسب در دفاع مشروع بدین مفهوم است که توسل دولت‌ها به دفاع مشروع فردی زمانی به عنوان یک قاعده حقوقی قابل پذیرش واقع می‌شود که علاوه بر شرایط دیگر، حملات دفاعی از سوی کشور قربانی تجاوز علیه کشور متجاوز باید به اندازه‌ای باشد که بتواند تجاوز را دفع و متجاوز را از ادامه حملات باز دارد. براین اساس اگر کشور قربانی تجاوز به اقداماتی متوسل گردد که نه تنها منجر به دفع تجاوز دشمن گردیده بلکه متجاوز را در خاک خودشان تعقیب نموده و مورد حمله قرار دهد، در این صورت نمی‌توان از وجود عنصر تناسب سخن گفت، چراکه میزان اقدامات دفاعی فراتر از میزان مورد ضرورت برای دفع تجاوز است. مراد از تناسب در شدت حمله، آن است که حجم و دامنه حمله متجاوزانه باید ملاک برای اقدام دفاعی باشد و اقدام تدافعی نباید گسترده‌تر و بیشتر از میزان تجاوز باشد و تناسب از نظر کیفیت بدین معناست که نوع دفاع باید متناسب با نوع تجاوز باشد. به‌طور مثال اگر کشوری، توسط سلاح‌های کلاسیک مورد حمله قرار گرفته باشد، کشور قربانی حمله نمی‌تواند با سلاح‌های کشتار جمعی و هسته‌ای بدان پاسخ بدهد زیرا، نوع دفاع کاملاً متفاوت و قوی‌تر از تجاوز است. (بیگدلی، ۱۳۹۵: ۴۹۳) اما این بدان معنا نیست که اگر کشور قربانی تجاوز در اثر تجاوز در موقعیتی قرار گرفته باشد که اگر اقدامات دفاعی خود را از نظر کیفیت و شدت بیشتر از تجاوز نسازد، نمی‌تواند موفق به دفع تجاوز گردد، در این صورت به تناسبی که بتواند صرفاً تجاوز را دفاع نماید، کیفیت و شدت حملات خود را نسبت به کیفیت و شدت عمل متجاوزانه بیشتر می‌تواند.

حمله روسیه به اوکراین با عنوان استفاده از حق دفاع مشروع از نظر فراهم بودن این شرط نیز محکوم به فقدان مشروعیت است. زیرا، اساساً، حمله‌ای از سوی اوکراین صورت نگرفته که بتوان، تناسب دفاع روسیه را در برابر آن سنجه نمود. حتی به فرض موجودیت تهدید بالقوه از جانب اوکراین علیه روسیه، اما اقدام مسلحانه روسیه را نمی‌توان با تهدید مذکور متناسب دانست.



نتیجه‌گیری

از مجموع مباحثی که پیرامون مسأله این تحقیق صورت گرفت این نتیجه بدست می‌آید که اولاً دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل موضوعه و غیر موضوعه دارای شرایطی است که در نبود آن شرایط هرگونه اقدام مسلحانه از سوی یک کشور علیه کشور دیگر، خود عمل متجاوزانه خوانده می‌شود. با بررسی شرایط چون: وقوع حمله مسلحانه از سوی متجاوز، عدم اقدام شورای امنیت، ضروری بودن دفاع و تناسب داشتن دفاع در مورد حمله روسیه به اوکراین که در تاریخ ۲۴ فبروری ۲۰۲۲ صورت گرفت و اکنون تبدیل به یک جنگ فرسایشی گردیده است، هیچ‌یک از شرایط مذکور برای توجیه عملکرد روسیه تحت عنوان دفاع مشروع فراهم نیست. از این رو، می‌توان گفت که از نظر قواعد بین‌المللی حمله مذکور نه تنها مشروع نبوده بلکه خود نوعی تجاوز به اوکراین دانسته شده و برای کشور روسیه مسئولیت بین‌المللی ایجاد می‌نماید.



۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۹) «حقوق جزای عمومی». جلد اول، انتشارات میزان، تهران.
۲. حاجی تبار فیروزجانی، حسن، چیتگر، نسیم و عیوضی، (۱۳۹۴) فیروزه، «دفاع مشروع در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی». فصلنامه راهبرد. ۲۴(۷۷)، زمستان ۱.
۳. خسروی، علی‌اکبر (۱۳۷۳) حقوق بین‌الملل. ایران: موسسه فرهنگی آفرینه.
۴. رشیدی، مهناز (۱۴۰۰) «توجیهات حقوقی روسیه در حمله نظامی به اوکراین در بوته نقد و تحلیل». مجموعه مقالات سال ۱۴۰۰ تالار گفتگوی حقوقی و سیاسی بین‌المللی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل، تهران.
۵. سیفی، بهزاد (۱۴۰۲) «جنگ روسیه و اوکراین از منظر حقوق توسل به زور». فصلنامه مطالعات آسیایی مرکزی و قفقاز. ۲۹(۱۲۱).
۶. شریفی طرازکوهی، حسین و مهرانی، فرزاد (۱۳۹۱) «بررسی تحلیلی شرایط حق دفاع مشروع با تاکید بر اقدامات مسلحانه دولت‌ها علیه حملات گروه‌های تروریستی بین‌المللی». فصلنامه دانش و پژوهش حقوقی. ۱(۱)، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
۷. صانعی، پرویز (۱۳۵۱) «حقوق جزای ایران». جلد اول، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه ملی ایران.
۸. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۲) «حقوق بین‌الملل عمومی». انتشارات گنج دانش. تهران.
۹. ظریف، محمدجواد و آهنی امینه، محمد (۱۳۹۱) «دفاع مشروع پیشدستانه؛ مشروعیت کاربرد زور در روابط بین‌الملل یا نقض مکرر منشور ملل متحد». فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌الملل. ۴(۱۲).
۱۰. عمید، حسن (۱۳۷۷) فرهنگ فارسی عمید. ایران: امیر کبیر.
۱۱. قاسمی، علی و چهاربخش، ویکتور بارین (۱۳۹۰) «ارزیابی دفاع مشروع جمعی در حقوق بین‌الملل معاصر». فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی معاصر. ۱۶(۵۶).
۱۲. قاسمی، علی و چهاربخش، ویکتور بارین (۱۳۹۰) «رویه قضائی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص دفاع مشروع پس از رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱». مجله حقوقی بین‌المللی. ۲۸(۴۵)، ص ۱۷۵-۱۹۴.
۱۳. کلاتری، کیومرث (۱۳۸۳) «عدالت کیفری خصوصی در نظام کیفری ایران». انتشارات سمت، تهران.
۱۴. موسوی، سیدفضل‌الله و حاتمی، مهدی (۱۳۷۲) «دفاع مشروع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۱۵. نور بها، رضا (۱۳۸۳) «زمینه حقوق جزای عمومی». ایران: گنج دانش.

ب) منابع انگلیسی و اسناد بین‌المللی

1. Allegations of Genocide under the Genocide Convention (Ukraine v. Russian Federation), Order of 16 March 2022.
2. Armed Activities (DRC v. Uganda), Judgment, 2005 I.C.J. Rep. 168.
3. Bishop, W(1962) "International Law: Cases And Materials". Brown and Company.
4. Convention on the Rights and Duties of States (Montevideo Convention), 26 December 1933.
5. Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States), ICJ Reports 1986.
6. Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Judgment, I.C.J. Reports 2003.
7. Putin, V. (2022), February 24) Address by the President of the Russian Federation. Kremlin. <http://en.kremlin.ru/events/president/news/67843>
8. United Nations. (2005) In Larger Freedom: A/59/2005.
9. United Nations General Assembly. (2022) Resolution ES-11/1: Aggression against Ukraine [Resolution]. United Nations. <https://undocs.org/en/A/ES-11/> \
10. United Nations Security Council. (2022) *Draft resolution S/2022/155*. United Nations Digital Library. <https://undocs.org/S/2022/155>.